ارائه الگوی مناسب صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی

یوسف مرادیان*[1]، زهرا اسمعیل پور [2]، حکیم سحاقی [3]

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، آموزش‌وپرورش استان البرز، ایران. (نویسنده مسئول).
۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، آموزش‌وپرورش استان البرز، ایران.
۳. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ششم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۰، صفحات ۴۲۹-۴۱۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱**

چکیده

این پژوهش باهدف ارائه الگوی مناسب صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی اجرا شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده‌ها، آمیخته اکتشافی متوالی و نوع مطالعه در بعد کیفی " داده بنیاد " با رویکرد اشتراوسی و در بعد کمی، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی مدیران مدارس ابتدایی نواحی چهارگانه کرج در سال تحصیلی (۱۴۰۰-۱۳۹۹) است؛ که تعداد آن‌ها ۴۵۰ نفر بوده‌اند. ابتدا در مرحله کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۸ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران و مدیران مدارس که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب‌شده بودند، مؤلفه‌های صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی شامل ۴ مؤلفه خلاقیت، ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری و مدیریت تحولی شناسایی شدند. سپس با توجه به زیرمولفه‌های به‌دست‌آمده پرسشنامه صلاحیت کارآفرینی طراحی شد. برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد و پرسشنامه در اختیار ۲۰۷ نفر از مدیران که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، قرار گرفت. به‌منظور بررسی اعتبار و میزان دقت پرسشنامه، از اعتبار صوری و اجماع صاحب‌نظران استفاده گردید. برای پایایی و سازگاری درونی گویه‌های پرسشنامه از مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شد که با انجام یک پیش‌آزمون بر روی 40 پاسخگوی تصادفی انتخاب‌شده مبادرت شد؛ که پایایی کل پرسشنامه (۰/۸۰) محاسبه گردید. نتایج نشان داد که شناسایی برنامه‌های کارآفرینی از دیدگاه مدیران مدارس بسیار مهم و قابل‌توجه است؛ چراکه برنامه‌های کارآفرینی می‌تواند مانعی قوی جهت رکود علمی باشد و انگیزش لازم جهت فراگیری مدیران فراهم نموده و به تغییرات بسیار مثبت در محیط مدارس منجر شود.

کلیدواژه: صلاحیت کارآفرینی، مدیران مدارس، ابتدایی.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ارکان پیشرفت هر جامعه نظام آموزشی آن جامعه است. این پیشرفت ماحصل مطالعات مکرر در بهبود روند رو به رشد آموزش‌وپرورشی است که شکل ابتدایی آن تعلیم و تربیت فرزندان آن جامعه است. تجربه نشان داده است هر کشوری که نظام آموزشی پویایی داشته باشد از انحطاط به دور است. یونسکو[1] (۲۰۰۸)، آموزش را کلید توسعه جوامع و مسیری می‌داند که افراد را برای تحقق توانایی‌ها و افزایش کنترل بر تصمیم‌های اثرگذار بر آن‌ها توانمند می‌سازد. در دنیای معاصر، سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی فرهیخته، رسالتی ملی و فراملی محسوب می‌گردد. علاوه بر این، تأکید بر توسعه دانش و شایستگی‌های فردی و آمادگی برای عصر تغییر و کارآفرینی مراکز علمی و پژوهشی، از مؤلفه‌های جوامع بالنده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۱). مدیر، معلم، دانش‌آموز در یک مدرسه هرکدام نقش ممتازی را ایفا می‌کنند. مدیریت یک مدرسه رهبری است که هر دو سبک رهبری وظیفه مدار و رابطه مدار را بکار می‌گیرد. چنین رفتاری از جانب مدیریت، باعث حمایت از معلمان و ایجاد تعهد در آنان می‌شود. دانش‌آموزان نیز باانگیزه روی تکالیفشان کار می‌کنند و به دانش‌آموزان دیگر احترام می‌گذارند (فریبرگ، ۱۹۹۹). داشتن سبک مدیریت و رهبری مناسب از قبیل سبک رهبری تحول‌آفرین می‌تواند به اقدامات متفاوت و نوآورانه در مدیریت مدارس منجر گردد و بی‌شک این رفتارهای نوآورانه می‌تواند در کارآیی و اثربخشی مدیریت مدارس امروزی نقش چشم‌گیر و مهمی را ایفا نماید. چراکه رهبری تحولی که بر اساس روابط عاطفی و شخصی میان رهبر و زیردستان استوار است (بهرنگی و موحدزاده، ۱۳۹۰). مدرسه کارآفرین مدرسه‌ای است که علاوه بر آموزش‌های تئوریک با برگزاری کلاس و کارگاه‌های مختلف به آموزش توانمندی‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، رویکردهای خلاقانه و... می‌پردازند. چنین مدرسه‌ای حامی معلمان است و آنان را هدایت می‌کند تا سطح عملکرد خود را ارتقاء بخشند. مدیر علاوه بر نفوذ در روسا، در فکر و عمل خود استقلال دارد. دانش‌آموزان در مدرسه سالم و باانگیزه بالا در فعالیت‌های علمی شرکت می‌کنند، وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی در دسترس آنان است و سرانجام این‌که معلمان همدیگر را دوست می‌دارند، به یکدیگر اعتماد می‌کنند و در کار خود دلسوز هستند (عباس پور، ۱۳۹۷).

کارآفرینی فرآیند یا مفهومی است که در طی آن فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید، با بسیج منابع به ایجاد کسب و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور رشد یابنده مبادرت می‌ورزد. این امر توأم با پذیرش خطرات است ولی اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه می‌شود؛ بنابراین «کارآفرینان» عوامل تغییر هستند که گاهی موجب پیشرفت‌های حیرت‌انگیز نیز شده‌اند. افراد کارآفرین از ویژگی‌های شخصیتی خاص و گوناگونی برخوردار می‌باشند. طبیعی است که برخی از ویژگی‌های کارآفرینان متمایز و برجسته از سایر افراد است به‌طور مثال داشتن خلاقیت و نوآوری، دارا بودن قدرت ابهام، داشتن اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس، آینده‌نگر و عمل‌گرا بودن و فرصت شناس بودن (طراوتی مصفا و همکاران، ۱۳۹۳). نتیجه جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی در ارتباط با طراحی الگوی کارآفرینی فناورانه در مدارس حوزه آموزشی، صورت نگرفته و یا انتشار نیافته است و از طرفی علی‌رغم نقش و اهمیت کارآفرینی در ابعاد زندگی فردی،

[1] UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ، از نظام آموزشی هر کشوری انتظار می‌رود افراد شایسته کارآفرین را تربیت نماید. به همین دلیل در برنامه‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته آموزش کارآفرینی در مدارس جزء لاینفک برنامه‌های درسی رسمی غیررسمی آن کشورهاست. در بسیاری از کشورها برنامه متناظر با کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه‌شده است. اهمیتش هنوز به‌گونه‌ای شایسته موردبررسی واقع نشده است (مزیدی و همکاران،۱۳۹۹). پیتر دراکر[1] (۱۹۸۵) کارآفرینی را به مفهوم جستجوی دائمی برای تغییر و واکنشی در برابر آن و بهره‌برداری از آن را، به‌عنوان یک فرصت بیان می‌کند. عمل کارآفرینی اشاره به کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها دارد. این به‌عبارت‌دیگر یعنی: تولیدات و خدمات یا فرایندهای تولیدی جدید، اشکال سازمانی و راهبردهای جدید و بازارهای جدید برای تولیدات و همچنین درون دادهایی که قبلاً موجود نبودند (نقل در حسینی و کاظمی، ۱۳۹۰). شومپیتر[2] (۱۹۳۴) فرایند کارآفرینی را «تخریب خلاق» می‌نامد؛ به‌عبارت‌دیگر ویژگی تعیین‌کننده در کارآفرینی همانا انجام کارهای جدید و یا ابداع روش‌های نوین در امور جاری است؛ و روش نوین همان تخریب خلاق می‌باشد. کارآفرینی مستلزم وجود دو مؤلفه‌ی خلاقیت و نوآوری است. به این معنا که در ابتدا مؤلفه‌ی خلاقیت و بعدازآن مؤلفه‌ی نوآوری پدیدار می‌شود و در صورت ظهور هر دو مؤلفه کارآفرینی رخ می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که خلاقیت پیش‌نیاز نوآوری و نوآوری پیش‌نیاز پدیده خلاقیت است؛ به‌عبارتی‌دیگر خلاقیت در دل نوآوری و نوآوری در دل کارآفرینی جای گرفته است که در شکل زیر به‌وضوح قابل‌مشاهده است. رابطه این مؤلفه‌ها با همدیگر رابطه تعاملی است نه خطی (نوده، ۱۳۹۱).

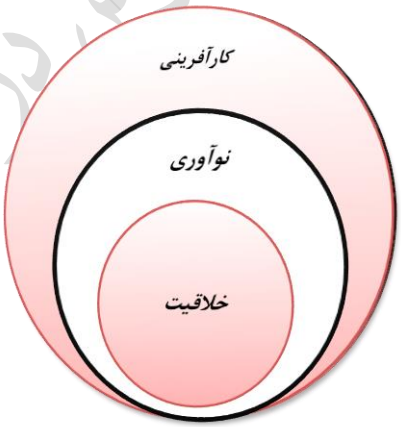

شکل ۱. رابطه تعاملی بین خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی

[1] Peter Drucker
[2] Shompetrs

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

بنابراین کارآفرینی موفق، فرایند مداومی است که مبتنی بر خلاقیت، نوآوری و به‌کارگیری آن در بازار است.

شکل ۲. ارتباط کارآفرینی با خلاقیت و نوآوری به‌صورت خطی

به‌طورکلی افراد خلاق و نوآور با شور و اشتیاق، اما به‌طور واقع‌بینانه اهدافی را دنبال کرده و قادرند نتایج سازمانی و تجاری حاصل از نوآوری‌هایشان را تشخیص دهند. آن‌ها می‌توانند گام‌های لازم برای تبدیل ایده به واقعیت را تعیین، تدوین و اجرا نمایند. آن‌ها اهل عمل بوده و منتظر صدور مجوز شروع نمی‌مانند. تعهد و فداکاری‌شان اغلب علایق دیگر افراد نظیر، خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (صفاران و خسروانی زنگنه، ۱۳۹۴). احمدپور کریم‌آبادی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان ارائه مدل توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان بندر ماهشهرانجام داده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده است که وضعیت کنونی کاربست کارآفرینی در محتوای آموزشی رسمی کشور حاکی از وجود موانع ساختاری، مغایرت محتوای آموزش با دنیای واقع، ضعف نظام برنامه‌ریزی آموزشی، بی‌توجهی تعمیم‌یافته به مسائل مرتبط با توسعه توانمندی-های کارآفرینی در کنار عدم‌کفایت آموزش‌ها و گریز از مطرح‌شدن ذیل یک نیاز ضروری بوده است و همین عوامل به میانجی و مداخله‌ی طردشدگی کارآفرینی به‌مثابه یک امر فرهنگی، عدم سرمایه‌گذاری در این خصوص، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و وجود قوانین ناکارآمد بر شدت این مسئله افزوده است. فرجام چنین وضعیتی بدون تردید واپس‌ماندگی کشور را روز به روز تسریع خواهد نمود. ماکوتا مانی[1] (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «آموزش کارآفرینی: یک منظردانشجویانه» مطالعه‌ای تجربی جهت کشف آموزش کارآفرینی در رشته مهندسی از دیدگاه دانشجویان انجام داد. در پایان داده‌های به‌دست‌آمده نشان داد که آن‌ها مهارت تصمیم‌گیری، ظرفیت ریسک‌پذیری، خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی و توانایی تهیه برنامه تجاری را جزء مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی کارآفرینی موفق می‌دانند. علاوه بر این به‌زعم این دانشجویان، کمبود تجربه و فقدان بودجه از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در آموزش کارآفرینی هستند. طغرایی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس‌انجام داده‌اند. پس از طبقه‌بندی و سازمان‌دهی داده‌ها، انجام مقایسه‌های مداوم و رفت‌وبرگشت‌های متوالی میان جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و همچنین بهره‌گیری از ادبیات پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینانه شناسایی شدند. نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان، تصمیم-گیرندگان مدرسه و والدین به‌ عنوان «عوامل علی»؛ جو کارآفرینانه، محیط بازی گونه و فضاهای جذاب آموزشی به‌عنوان «عوامل زمینه‌ای» و آموزش کارآفرینانه در مدارس و هوشیاری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی آموزشی و کارآفرینانه به‌عنوان «شرایط محیطی آموزش کارآفرینانه» در مدارس ارائه شد. آموزش مبتنی بر خلق ارزش که مقوله محوری واصلی در آموزش کارآفرینانه در مدارس است، بر راهبردها و اقدامات «آموزش به همراه انجام، تکالیف کارآفرینانه، تیم‌های کارآفرینانه، شوق کارآفرینانه، یادگیری کارآفرینانه، تعامل با دنیای واقعی، ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه و تأکید بر شناخت و فراشناخت استوار است. درنهایت خلق ارزش

[1]. Mukta Mani

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

جدید، تربیت دانش‌آموز خلاق، نوآور و چندبعدی و پرورش دانش‌آموز توانمند دارای مهارت، به‌عنوان پیامدها و نتایج آموزش کارآفرینانه در مدارس شناسایی شدند. حسنی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی دانشکده‌های فنی دختران) انجام داده است. در این تحقیق برای ارائه‌ی الگوی کارآفرینی دانشگاهی ابعاد کارآفرینی دانشگاهی شناسایی و سپس الگوی کارآفرینی دانشگاهی ارائه شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای ویژه دختران دارای دو بعد ساختاری و فرایندی می‌باشد. مؤلفه‌های شناسایی‌شده بعد ساختاری شامل مؤلفه‌های: چشم‌انداز کارآفرینانه، فرهنگ نوآوری، ساختار حمایتی، قابلیت ارتباطی و شبکه‌ای، نظام پژوهش و شایستگی‌های کارآفرینانه می‌باشد. بعد فرایندی دانشگاهی شامل چهار مؤلفه: رهبری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی درسی، فرایند یاددهی– یادگیری و فرایند تجاری‌سازی می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت موجود ابعاد فرایندی کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای ویژه دختران نسبت به ابعاد ساختاری کارآفرینی دانشگاهی بهتر می‌باشد.

در افراد قابلیت‌های وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آن‌ها می‌شود. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها خلاقیت، خطرپذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و استقلال‌طلبی و ... است (کویستنر؛ وینبرگر و مک کللند[1]، ۱۹۹۱). روش‌های آموزشی ابزارهایی برای رسیدن به اهداف دوره‌های کارآفرینی هستند که معمولاً بر اساس اهداف انتخاب می‌شوند. به عقیده بلاک و استامپ[2] (۱۹۹۰) در مواردی که هدف از آموزش، فقط کسب دانش و مفاهیم مرتبط با کارآفرینی باشد، بهتر است از روش‌هایی نظیر سخنرانی و بحث و گفت‌وگو استفاده شود و ممکن است در برخی موارد ارتباطاتی هم به‌طور مستقیم با کارآفرینان برقرار گردد. نبیونی، آقاجانی و الهوردی‌زاده (۱۳۸۷) به این نکته اشاره‌کرده‌اند در دوره‌های کارآفرینی فقط به جنبه نظری توجه نشود، بلکه آموزش کارآفرینی توأم با عمل باشد. والیرو، پارتن و راب[3] (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود به بررسی نوآوری‌های آموزش کارآفرینی پرداخته است، به روش‌هایی نظیر یادگیری مبتنی بر عمل یادگیری تلفیقی اشاره‌کرده است. به عقیده وی، شرایط یادگیری در آموزش کارآفرینی باید به‌گونه‌ای باشد که در آن آموزش‌های کلاسی با آموزش‌های محیط کار تلفیق گردد. استفاده از نمایشگاه و جشنوارهای کارآفرینی یکی دیگر از روش‌های اثربخش آموزش کارآفرینی است. همچنین به این نتیجه دست‌یافت که مدل‌های سنتی که در دوره‌های زمانی ترمی یا نیم سال ارائه می‌شد، برای آموزش کارآفرینی کافی نیست؛ لذا می‌بایست در روش‌های تدریس نوآوری ایجاد شود؛ ازجمله: نوآوری در زمان دوره‌ها، هدف و محتوای دوره‌های کارآفرینی. همچنین بهره‌گیری از اینترنت جهت آموزش کارآفرینی در هر جا و هرزمانی، استفاده از این آموزش‌ها را برای مخاطبان و در هر دوره‌ای از زندگی ممکن ساخته است. علی میری به نقل از روشتات[4] (۱۳۸۷) بیان می‌کند که یک برنامه‌ی آموزشی اثربخش باید به دانشجویان بیاموزد که چگونه در قالب کارآفرینی رفتار مناسب از خود بروز دهند. لذا، انتخاب محتوای مناسب جهت ارائه در دوره‌های آموزش کارآفرینی حائز اهمیت است. در خصوص علل اهمیت آموزش کارآفرینی می‌توان گفت که کارآفرینی از محورهای رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارای اهمیت است، زیرا

1. Koestner and Weinberger & McClelland
2. Block and Stamp
3. Valerio and Parton & Robb
4. Roshti

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

۱) موجب ایجاد اشتغال می‌شود؛ ۲) باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه‌گذاران می‌شود؛۳) موجب گذر از رکود اقتصادی، جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود (خشکاپ، ۱۳۸۸). با توجه به پدیده‌ی جهانی‌شدن اقتصاد، برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که بازارهای این ده از آن شرکت‌هایی است که به ریسک‌پذیری کارآفرینانه بها می‌دهند، برای گسترش سرمایه‌های فکری خود در حد کلان سرمایه‌گذاری می‌کنند، در بالندگی فردی پرتلاش‌اند و در خط‌مشی گذاری، شرایط محیطی را مدنظر قرار می‌دهند. بر همین اساس، توسعه‌ی کارآفرینی از جنبه‌های گوناگون مدنظر قرارگرفته که آموزش، یکی از جنبه‌های مهم و در راستای گسترشان، می‌باشد (احمدپور، ۱۳۸۱).

درحالی‌که کشورهای توسعه‌نیافته علت توسعه‌نیافتگی خود را نادیده گرفتن اهمیت کارآفرینی در توسعه‌ی اقتصادی کشور خود می‌دانند. متأسفانه هنوز در کشور ما کارآفرینی جای خود را باز نکرده است؛ و برای توسعه کشور راهی جز کارآفرینی نداریم. نیاز امروز کشور کارآفرینان است، زیرا کارآفرین است که با ویژگی‌های خود می‌تواند کسب‌وکار جدید به وجود آورد و خیل جوانان بیکار را به فعالیت وا دارد و اقتصاد کشور را رونق و شکوفا سازد (آراستی، کنعانی و سیدقاسمی، ۱۳۹۲). با توجه به توضیحات بالا، محققین را بر آن داشت تا در نوشتار حاضر در پی یافتن مدل یا رویکردی باشیم که مشخصات بنیادین مدل‌های صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی را در خود ملحوظ بدارد تا در نهایت بتوانیم عناصری را که در موفقیت و اثربخشی برنامه‌های رشد حرفه‌ای تربیت‌معلم مهم و اساسی تلقی می‌شوند، شناسایی نماییم. ازاین‌رو، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال‌های زیر می‌باشد:

۱. صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام‌اند؟
۲. ابعاد صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام‌اند؟
۳. شاخص‌های صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام‌اند؟
۴. اولویت‌بندی صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی به چه صورت است؟

روش پژوهش

انتخاب روش انجام پژوهش بستگی به هدف‌ها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. هدف از انتخاب روش پژوهش آن است که محقق مشخص نماید چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش یا پرسش‌های پژوهش موردنظر کمک کند (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۲). پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است، زیرا انتظار می‌رود از نتایج آن جهت ارائه الگویی جهت تربیت مدیران مدارس ابتدایی استفاده شود. چراکه هدف پژوهش کاربردی در جهت رشد و بهتر کردن یک محصول یا روال یک فعالیت و خلاصه آزمودن مفاهیم نظری و مجرد (ذهنی) در موقعیت‌های واقعی و زنده است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۲). پژوهش‌ها می‌توانند به سه صورت کمّی[1]، کیفی[2]

1. Quantitative approach
2. Qualitative approach

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

یا ترکیبی[1] انجام شوند. انتخاب رویکرد، روش و ابزار، به مسئله و هدف پژوهش بستگی دارد (منصوریان، ۱۳۹۴)؛ بنابراین با توجه به مسئله و هدف پژوهش حاضر، این پژوهش از رویکرد ترکیبی بهره گرفته است.

پژوهش حاضر از نوع اکتشافی می‌باشد، به عبارتی ابتدا بخش کیفی آن با روش تحلیل محتوای استقرایی انجام گرفت و سپس از تم‌های استخراج‌شده پرسشنامه‌ای به‌منظور اجرای بخش کمی و پیمایش تدوین شد. جامعه آماری پژوهش شامل جامعه آماری بخش کمی و جامعه آماری بخش کیفی است. جامعه پژوهش در بخش کیفی ۸ نفر از متخصصان حوزهٔ تعلیم و تربیت و مدیران مدارس هستند. این متخصصان توسط محقق شناسایی شدند و با آن‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته[2] صورت گرفت. در بخش کمّی جامعه پژوهش از مدیران مدارس ابتدایی نواحی ۴ گانه کرج تشکیل می‌شود. در این پژوهش در ابتدا به‌منظور جمع‌آوری و تولید داده‌ها از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بر اساس این نمونه‌گیری پژوهشگر مشارکت‌کنندگان یا منابع داده‌هایی انتخاب شدند که بتوانند به سؤالات پژوهش پاسخ دهند (گلیزر و اشتراوس[3]، ۱۹۶۷؛ برایانت و چارماز[4]، ۲۰۰۷؛ چارماز، ۲۰۰۶؛ چارماز و برایانت، ۲۰۱۱) نمونه‌گیری هدفمند داده‌های اولیه را که پژوهشگر تحلیل می‌کند، فراهم می‌نماید. پس از توسعه مجموعه‌ی از کدها و کتگوری‌ها از مجموعه داده‌های اولیه از **نمونه‌گیری نظری** استفاده شد. در واقع نمونه‌گیری نظری به‌منظور شناسایی و پیگیری سرنخ‌ها از تحلیل، پر کردن شکاف‌ها، شفاف کردن عدم قطعیت‌ها، چک کردن ظن و گمان‌ها و تفسیرهای آزمایشی در طول پیشرفت مطالعه استفاده شد. بیرکس و میلز[5] (۲۰۱۵) نمونه‌گیری نظری را به‌عنوان فرایند شناسایی و پیگیری سرنخ‌هایی که در هنگام تحلیل داده‌ها در مطالعه گراندد تئوری برمی‌خیزند، تعریف می‌کنند. هدف از نمونه‌گیری نظری این است که پژوهشگر بتواند به‌وسیله نمونه‌گیری از مشارکت‌کنندگان یا موادی جدید که اطلاعات مرتبط را فراهم می‌کند، داده‌ها را دنبال نمایند و منجر به توسعه کتگوری نظری شوند. در طی این فرایند اطلاعات اضافی به‌منظور اشباع کتگوری‌های تحت توسعه جستجو می‌شود (چارماز، ۲۰۱۲). در مطالعهٔ کیفی فرمول واحدی برای تعیین اندازهٔ درست نمونه وجود ندارد. عمق، پیچیدگی و غنای داده‌ها اهمیت اساسی دارد. پاول (۱۳۷۹) در مورد اندازهٔ نمونه در مطالعات کیفی کارآفرینی مدیران مدارس، راه‌حل ساده را در این می‌بیند که گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یابد که عناصر اساسی مطالعه به حد اشباع برسند، یعنی تا زمانی که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه مطرح می‌کنند، در تضاد با دانسته‌های گردآوری‌شده نباشد (حریری، ۱۳۸۵). برای نمونه‌گیری جامعهٔ بخش کمّی که مدیران مدارس نواحی ۴ گانه کرج بود، نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای[6] که نوعی نمونه‌گیری احتمالی است به‌کاربرده شد. در این پژوهش، برای تعیین حجم نمونه از میان جامعه مدیران مدارس نواحی ۴ گانه کرج، از فرمول نمونه‌گیری کوکران- که در زیر نمایش داده‌شده است- استفاده شد؛ بنابراین با توجه به تعداد جامعه آماری کتابداران (N=۴۵۰)، با در نظر گرفتن سطح معنی‌داری ۹۵ درصد و رقم ۱/۹۶ برای t

1. Mixed method
2. Concurrent
2. semi-structured interview
3. Glaser & Strauss
4. Bryant & Charmaz
5 Birks & Mills
6. Cluster sampling

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

و درجه اطمینان (d) ۵ درصد و در نظر گرفتن ۰/۵۰ و ۰/۵۰ برای p (احتمال مجموعه‌سازی مناسب) و q (احتمال عدم مجموعه‌سازی مناسب)، حجم نمونه پژوهش معادل ۲۰۷ نفر برآورد گردید.

در بخش کیفی نیز از روش مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده‌شده است. در پژوهش حاضر با توجه به شیوع بیماری کرونا و وضعیت قرمز استان البرز مصاحبه‌ها به‌صورت اینترنتی انجام شد. بدین‌صورت که سؤالات مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان ارسال و از آن‌ها خواسته شد به‌طور کامل به سؤالات پاسخ دهند و سپس پاسخ‌ها را برای تحلیل‌گرها ارسال نمایند. تعداد افراد تحلیل‌گر داده‌ها ۳ نفر بودند که کار استخراج و دسته‌بندی داده‌ها توسط دو پژوهشگر و متخصص در این زمینه انجام شد و توسط یک متخصص دیگر نیز بررسی گردید. در قدم بعدی واحدهای معنایی تعیین گردید، سپس کدگذاری انجام شد، به این صورت که واحدها بر اساس مشابهت در یک طبقه قرار گرفتند و خرده مقولات تشکیل شد و بعد با ترکیب آن‌ها مقولات اصلی استخراج گردید. برای مقبولیت داده‌ها[1] از ۴ معیار لینکلن و گوبا[2] که شامل اعتبار[3]، تأییدپذیری[4]، قابلیت اعتماد[5] و قابلیت انتقال[6] است، استفاده شد (لینکلن و گوبا[7]، ۱۹۸۵). برای اطمینان از معیارهای اعتبار و تأییدپذیری داده‌ها در پژوهش حاضر، از بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع آوری آن، مرور کدهای استخراج‌شده توسط مشارکت‌کنندگان (کدهای استخراج‌شده از مکالمات شرکت‌کنندگان در اختیار آن‌ها قرار گرفت و از نظر درستی برداشت از جملات آن‌ها، چک گردید)، بررسی روند تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با دو تن از پژوهشگران روش کیفی و درگیری مداوم و طولانی‌مدت با داده‌ها استفاده شد. تأییدپذیری یافته‌ها نیز توسط ناظر خارجی آشنا به تحقیق کیفی، موردسنجش قرار گرفت، به این معنی که ایشان بخش‌هایی از متن مصاحبه به همراه کدهای مربوط و طبقات پدیدار شده را بررسی و تأیید نمود. نهایتاً، به‌منظور تضمین قابلیت انتقال نیز از مشارکت‌کنندگان مختلف از نظر جنس، سن و فرهنگ و ارائه نمونه نقل قول‌های شرکت‌کنندگان (به همان صورتی که اظهار کرده بودند) استفاده شد. به‌منظور شناسایی میزان اهمیت و اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی و میان مدیران توزیع شد. برای سنجش شاخص‌ها از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از مقدار خیلی کم تا خیلی زیاد استفاده شد. پس از تجزیه‌وتحلیل پرسشنامه‌ها عودت داده‌شده از سوی مدیران مدارس، پرسشنامه نهایی جهت توزیع میزان نمونه آماری (که همان جامعه آماری است) طراحی شد. در نهایت جهت آزمون پایایی پرسشنامه نهایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. این مقدار مؤید پایایی بالای پرسشنامه می‌باشد. برای آزمون روایی از نظر مدیران استفاده و تغییرات لازم نیز در جهت ابهام‌زدایی از سؤالات به عمل آمد. این پرسشنامه که حاوی ۳۵ سؤال است، جهت سنجش ابعاد و شاخص‌های صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس طراحی‌شده است. ابعاد و سؤالات مربوطه در جدول زیر ارائه‌شده است.

1. Data trustworthiness
2. Lincoln & Guba
3. Credibility
4. Confirmability
5. Dependendability
6. Transferability
7. Lincoln and Guba

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

جدول ۱. ابعاد پرسشنامه

ابعاد	سؤالات	تعداد گویه ها
خلاقیت	۱-۸	۸
ریسک‌پذیری	۹-۱۶	۸
تصمیم‌گیری	۱۷-۲۴	۸
مدیریت تحولی	۲۵-۳۵	۱۱

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI)، استفاده می‌شود. CVIبه‌صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر آیتم که امتیاز "مرتبط اما نیاز به بازبینی " و "کاملاً مرتبط " را کسب کرده‌اند تقسیم‌بر تعداد کل متخصصان محاسبه شد. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست شد تا هر آیتم را بر اساس طیف سه‌قسمتی "ضروری است "، "مفید است ولی ضرورت ندارد " و "ضرورتی ندارد " بررسی نمایند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر محاسبه گردید.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} = \frac{۱۲ - (\frac{۱۵}{2})}{\frac{۱۵}{2}} = \frac{۴.۵}{۷.۵} = .۶۰ > .۴۹$$

n_E=۱۲

N=۱۵

جدول ۲. جدول تصمیم‌گیری روایی

تعداد افراد پانل متخصصان	حداقل مقدار روایی
۵	۰/۹۹
۶	۰/۹۹
۷	۰/۹۹
۸	۰/۸۵
۹	۰/۷۸
۱۰	۰/۶۲
۱۵	۰/۴۹
۲۰	۰/۴۲
۲۵	۰/۳۷
۳۰	۰/۳۳
۴۰	۰/۲۹

برای اندازه‌گیری پایایی از شاخص "ضریب پایایی " استفاده می‌کنیم و اندازه آن معمولاً بین صفر تا یک تغییر می‌کند. ضریب پایایی "صفر " معرف عدم پایایی و ضریب پایایی "یک " معرف پایایی است. جهت سنجش ضریب پایایی از روش آلفای کرونباخ و از نرم‌افزار spss استفاده شد. جهت سنجش آلفای پرسشنامه‌ها در اختیار ۴۰ نفر از مدیران مدارس کرج قرار گرفت. سپس داده‌ها جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار شده و مقادیر کرونباخ آن‌ها محاسبه شد. مقادیر آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه در جدول زیر گزارش‌شده است.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

جدول ۳. مقادیر آلفای کرونباخ

ابعاد	آلفای کرونباخ
خلاقیت	۰/۷۵
ریسک‌پذیری	۰/۷۸
تصمیم‌گیری	۰/۷۳
مدیریت تحولی	۰/۷۶
کل پرسشنامه	۰/۸۰

با توجه به اینکه مقدار کرونباخ محاسبه‌شده برای تمامی ابعاد و کل پرسشنامه بالای ۰/۷۰ است؛ بنابراین پرسشنامه از پایایی قابل‌قبولی برخوردار است. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در این تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. در این راستا از نرم‌افزار spss22 استفاده شد.

یافته ها

جدول ۴. توصیف وضعیت جنسیت نمونه موردمطالعه

وضعیت جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۱۶	۵۶
زن	۹۱	۴۴
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود اطلاعات مربوط به وضعیت جنسیت نمونه موردمطالعه، نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از آن‌ها مرد و ۴۴ درصد آن‌ها زن بوده‌اند.

جدول ۵. توصیف وضعیت تحصیلات نمونه موردمطالعه

وضعیت تحصیلات	فراوانی	درصد
لیسانس	۱۶۹	۸۱/۶
فوق‌لیسانس	۲۳	۱۱/۱
دکتری	۱۵	۷/۲
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اطلاعات مربوط به وضعیت تحصیلات نمونه موردمطالعه نشان می‌دهد حدود ۸۲ درصد نمونه موردمطالعه دارای مدرک لیسانس، ۱۱ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و حدود ۷ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

جدول ۶. توصیف وضعیت سنی نمونه موردمطالعه

سن	فراوانی	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۲۴	۱۱/۶
۳۰ – ۴۰ سال	۱۱۶	۵۶
بالای ۴۰ سال	۶۷	۳۲/۴
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود اطلاعات مربوط به سن نمونه موردمطالعه نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها با حدود ۵۶ درصد در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و کمترین آن‌ها یعنی حدود ۱۲ درصد در دامنه سنی کمتر از ۳۰ سال بوده‌اند.

جدول ۷. توصیف وضعیت سابقه خدمت نمونه موردمطالعه

سابقه اشتغال	فراوانی	درصد
۵ و کمتر از ۵ سال	۱۲	۵/۸
۵–۱۵ سال	۵۳	۲۵/۶
۱۵–۲۵ سال	۸۵	۴۱/۱
بالای ۲۵ سال	۵۷	۲۷/۵
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود اطلاعات مربوط به سابقه خدمت نمونه موردمطالعه نشان می‌دهد که ۵/۸ درصد دارای سابقه خدمت ۵ و کمتر از ۵ سال، ۲۵/۶ درصد آن‌ها دارای سابقه خدمت ۵–۱۵ سال و ۴۱/۱ درصد آن‌ها سابقه خدمت ۱۵ تا ۲۵ سال داشته‌اند و ۵/ ۲۷ درصد بالای ۲۵ سال سابقه بوده‌اند.

یافته‌های این پژوهش شامل دو بخش یافته‌های کیفی و کمی است. محقق برای پاسخگویی به این سؤال پژوهش که صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام اند؟ از روش پژوهش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده نمود. در این بخش محقق بر اساس بررسی مشابهت‌ها و بررسی روابط درونی به ۴ طبقه با کد محوری دست‌یافت که این مؤلفه‌ها در قالب شکل ۱ ارائه شد.

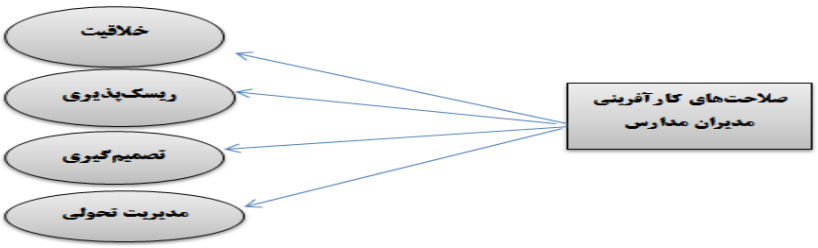

شکل ۱. صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

جدول ۸. آمار توصیفی ابعاد صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد
خلاقیت	۳/۰۹	۰/۴۴
ریسک‌پذیری	۳/۲۶	۰/۳۹
تصمیم‌گیری	۳/۳۵	۰/۳۷
مدیریت تحولی	۳/۳۳	۰/۳۶

ازآنجایی‌که امتیازدهی در این پرسشنامه (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) به ترتیب امتیازات (۳،۴،۵،۱،۲) می‌باشد و ازآنجایی‌که طبق جدول بالا مقادیر میانگین‌ها در اکثر ابعاد بالاتر از ۳ یا همان سطح متوسط در پرسشنامه طیف لیکرت می‌باشد؛ بنابراین ابعاد قابل‌قبول هستند. همچنین طبق مقادیر میانگین‌ها اکثر نمونه‌ها به سؤالات پاسخ‌های خیلی زیاد و زیاد داده‌اند. بیشتر میانگین نیز با مقدار ۳/۳۵ مربوط به تصمیم‌گیری و کمترین آن با مقدار ۳/۰۹ مربوط به خلاقیت می‌باشد. انحراف استاندارد که نشان‌دهنده پراکنش داده‌ها می‌باشد، بیش‌ترین مقدار آن مربوط به خلاقیت با مقادیر ۰/۴۴ است. مقادیر میانگین و انحراف معیار در جدول زیر گزارش‌شده است. بر اساس مقدار میانگین کلیه شاخص‌ها از اهمیت قابل‌ملاحظه ای برخوردار هستند.

جدول ۹. مقادیر میانگین و انحراف معیار

ابعاد		شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
خلاقیت	۱	استفاده از راه‌حل‌های جدید	۳/۵۷	۰/۵۰
	۲	ایجاد تغییر	۳/۸۱	۰/۵۳
	۳	توانایی تحلیل گری مسائل	۳/۸۰	۰/۵۷
	۴	داشتن ابتکار	۴/۱۰	۰/۷۵
	۵	برگزاری نمایشگاه دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان	۳/۸۳	۰/۷۰
	۶	داشتن ایده‌های نو	۳/۰۳	۰/۶۹
	۷	ارتقای مستمر کیفیت تدریس معلمان	۳/۹۸	۰/۷۰
	۸	توجه به تفاوت‌های فردی	۴/۱۵	۰/۷۲
ریسک‌پذیری	۹	داشتن اعتمادبه‌نفس	۳/۵۲	۰/۵۴
	۱۰	پذیرش ایده‌های جدید و اجرای آن‌ها	۳/۶۹	۰/۶۰
	۱۱	استقبال از چالش	۳/۷۶	۰/۶۵
	۱۲	دادن مسئولیت به دانش‌آموزان	۳/۷۰	۰/۶۰
	۱۳	ارتباط با نهادهای محلی و منطقه‌ای	۳/۸۰	۰/۶۵
	۱۴	استقلال فردی	۳/۷۱	۰/۶۳
	۱۵	استفاده از فرصت‌ها	۳/۷۹	۰/۶۵
	۱۶	اعتماد به معلمان و معاونین مدرسه	۳/۹۶	۰/۷۸

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

تصمیم‌گیری	۱۷	برگزاری منظم جلسات شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، شورای دانش‌آموزی	۳/۶۴	۰/۵۸
	۱۸	بسط فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای	۳/۵۹	۰/۵۶
	۱۹	تصمیم‌گیری آنی	۳/۶۱	۰/۵۶
	۲۰	برنامه‌ریزی استراتژیک	۳/۶۵	۰/۶۱
	۲۱	تصمیم‌گیری در شرایط مبهم	۳/۶۸	۰/۶۰
	۲۲	پذیرش مشکل	۳/۶۷	۰/۵۹
	۲۳	داشتن ذهن فلسفی	۳/۷۱	۰/۵۶
	۲۴	نظارت هوشمندانه و راهنمایی تعلیماتی	۳/۶۷	۰/۵۸
مدیریت تحولی	۲۵	مدیریت کیفیت فراگیران معلمان و دانش‌آموزان	۳/۵۷	۰/۵۸
	۲۶	کاهش افت و تکرار پایه با همکاری معلمان و اولیا	۳/۶۳	۰/۶۲
	۲۷	تشکیل تیم‌های کاری در بین معلمان و دانش‌آموزان	۳/۶۴	۰/۵۹
	۲۸	کاهش تعارضات بین معلمان و کارکنان	۳/۷۰	۰/۶۵
	۲۹	احترام به کلیه عوامل مدرسه	۳/۷۰	۰/۶۳
	۳۰	ارائه سیستم تشویق مناسب	۳/۷۴	۰/۶۲
	۳۱	انتخاب معلمان و معاونین کارآمد و اثربخش	۳/۶۸	۰/۶۰
	۳۲	توسعه مشارکت معلمان، اولیا، دانش‌آموزان در مدرسه	۳/۷۱	۰/۶۱
	۳۳	سنجش تغییرات	۳/۴۷	۰/۵۸
	۳۴	ارتباط دوطرفه با معلمان و دانش‌آموزان	۳/۵۹	۰/۵۹
	۳۵	ارائه مشاوره به کلیه ارکان مدرسه	۳/۰۹	۰/۶۰

جدول ۱۰. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نوع توزیع به کار گرفته‌شده	سطح معنی-داری	مقدار خطا	تائید فرضیه	نتیجه
خلاقیت	نرمال	۰/۰۶۹	۰/۰۵	0H	نرمال است
ریسک‌پذیری	نرمال	۰/۱۳۴	۰/۰۵	0H	نرمال است
تصمیم‌گیری	نرمال	۰/۰۷۱	۰/۰۵	0H	نرمال است
مدیریت تحولی	نرمال	۰/۱۰۲	۰/۰۵		نرمال است

در این جدول با توجه به مقدار حاصل از آماره اسمیرنوف- کلموگروف می‌توان استنباط نمود که توزیع مورد انتظار با توزیع مشاهده‌شده برای تمام متغیرها تفاوت معنی‌داری ندارد و بنابراین توزیع این متغیرها نرمال است. ازاین‌رو برای آزمون فرضیات از آماره پارامتریک استفاده نمود.

آزمون سؤالات پژوهش

- . ابعاد صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام‌اند؟
- . شاخص‌های صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام‌اند؟

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

- . اولویت‌بندی صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی به چه صورت است؟

جهت آزمون سؤال‌های تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای برای تعیین وضعیت هرکدام از شاخص‌ها و آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل و شاخص‌ها با توجه به نمره درصدی از داده‌های پرسشنامه صورت گرفت.

جدول ۱۱. نتایج tتک نمونه‌ای ابعاد

ابعاد	تفاوت میانگین	t	sig
خلاقیت	۰/۹۱	۲۹/۵۶	۰/۰۰
ریسک‌پذیری	۰/۷۴	۲۷/۱۳	۰/۰۰
تصمیم پیری	۰/۶۵	۲۵/۱۷	۰/۰۰
مدیریت تحولی	۰/۶۷	۲۶/۶۸	۰/۰۰

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌کنید، مقادیر معنی‌داری تمامی ابعاد کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین تمامی ابعاد به‌عنوان صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی حائز اهمیت می‌باشند. مقادیر tنیز میزان اهمیت هریک از ابعاد را مشخص می‌کند. اولویت اول تا سوم شامل خلاقیت، ریسک‌پذیری، مدیریت تحولی می‌باشد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون فریدمن

ابعاد	میانگین رتبه	اولویت
خلاقیت	۳/۰۵	اول
ریسک‌پذیری	۲/۴۳	دوم
تصمیم‌گیری	۲/۱۸	چهارم
مدیریت تحولی	۲/۳۴	سوم

طبق جدول ۱۲ رتبه اول تا چهارم ابعاد به ترتیب شامل خلاقیت، ریسک‌پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم‌گیری می‌باشد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده کلیه ابعاد خلاقیت، ریسک‌پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم‌گیری به‌عنوان ابعاد صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی می‌باشند. همچنین از دیگر نتایج به‌دست‌آمده اولویت‌بندی این شاخص‌ها می‌باشد. با توجه به نتایج، شاخص‌ها به‌عنوان ابعاد صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس پذیرفته شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش که باهدف ارائه الگوی مناسب صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی طراحی‌شده بود، یافته‌های مطالعه حاکی از آن است که مؤلفه‌های اصلی کارآفرینی مدیران مدارس دارای ابعاد زیر است: ۱. خلاقیت ۲. ریسک‌پذیری ۳. مدیریت تحولی ۴. تصمیم‌گیری. با توجه به اینکه در پژوهش‌های قبل، پژوهشی در خصوص ابعاد خلاقیت کارآفرینی مدیران مدارس انجام نگرفته است، در اینجا به ارتباط ابعاد و یا برخی مؤلفه‌ها در پژوهش‌های پیشین اشاره خواهد شد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که یکی از مؤلفه‌های الگوی کارآفرینی مدیران مدارس، خلاقیت است؛ بنابراین مدیران مدارس ابتدایی باید دارای شاخصه‌هایی ازجمله استفاده از راه‌حل‌های جدید، ایجاد تغییر، توانایی تحلیل گری مسائل، داشتن ابتکار، برگزاری نمایشگاه دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان، داشتن ایده‌های نو، ارتقای مستمر کیفیت تدریس معلمان، توجه به تفاوت‌های فردی می‌باشند. طغرایی (۱۳۹۸)، عسکری فرد و

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

همکاران (۱۳۹۷)، خسروی پور (۱۳۹۴)، آقاجانی و گنجه خو (۱۳۹۲)، منطقی (۱۳۹۱) در پژوهش‌های خود به اهمیت خلاقیت اشاره‌کرده‌اند، با توجه به اینکه در این پژوهش خلاقیت به‌عنوان اولین بعد شناسایی‌شده است می‌توان گفت که این پژوهش همسو با این تحقیقات می‌باشد. بخش دیگر از یافته‌ها این پژوهش نشان داد؛ از ویژگی‌های الگوی موردبحث می‌توان به مؤلفه‌های ریسک‌پذیری اشاره کرد که از مشخصه‌های آن می‌توان به داشتن اعتمادبه‌نفس، پذیرش ایده‌های جدید و اجرای آن‌ها، استقبال از چالش، دادن مسئولیت به دانش‌آموزان، ارتباط با نهادهای محلی و منطقه‌ای، استقلال فردی، استفاده از فرصت‌ها، اعتماد به معلمان و معاونین مدرسه اشاره کرد. نتایج تحقیقات یورتکورو و همکاران (۲۰۱۴)، برچ و مدسن (۲۰۰۵)، وانگ و زانگ (۲۰۰۵)، بالکین و همکاران (۲۰۰۰) به ریسک‌پذیری و یا مخاطره پذیری و برخی از این مؤلفه‌ها اشاره‌شده است. نتایج نشان داد که مؤلفه مدیریت تحولی یکی دیگر از مؤلفه‌های الگوی صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی است. از ویژگی‌های این مؤلفه مدیریت کیفیت فراگیران معلمان و دانش‌آموزان، کاهش افت و تکرار پایه با همکاری معلمان و اولیا، تشکیل تیم‌های کاری در بین معلمان و دانش‌آموزان، کاهش تعارضات بین معلمان و کارکنان، احترام به کلیه عوامل مدرسه، ارائه سیستم تشویق مناسب، انتخاب معلمان و معاونین کارآمد و اثربخش، توسعه مشارکت معلمان، اولیا، دانش‌آموزان در مدرسه، سنجش تغییرات، ارتباط دوطرفه با معلمان و دانش‌آموزان، ارائه مشاوره به کلیه ارکان مدرسه است. همسو با یافته‌های مطالعه، در نتایج مطالعات عسکری فرد و همکاران (۱۳۹۷)، طبرسا و همکاران (۱۳۹۲)، موریس و همکاران (۲۰۰۸)، آیرلند و همکاران (۲۰۰۳) نیز به موضوع مدیریت تحولی یا برخی مؤلفه‌های آن اشاره‌شده است. آخرین مؤلفه به‌دست‌آمده از یافته‌های این پژوهش، تصمیم‌گیری است که دارای ویژگی‌هایی برگزاری منظم جلسات شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، شورای دانش‌آموزی، بسط فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای، تصمیم‌گیری آنی، برنامه‌ریزی استراتژیک، تصمیم‌گیری در شرایط مبهم، پذیرش مشکل، داشتن ذهن فلسفی، نظارت هوشمندانه و راهنمایی تعلیماتی است. در پژوهش‌های عسکری فرد و همکاران (۱۳۹۷)، اختری و کشاورزی (۱۳۹۳)، حسین و همکاران (۱۳۹۱)، مبارکی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز بر تصمیم‌گیری و یا مؤلفه‌های آن تأکید شده است شده است. تصمیم‌گیری نقش مهمی در فعالیت‌ها و اقدامات مدیران مدارس دارد. در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده نیز بر تصمیم‌گیری و ارتباط آن با کارآفرینی تأکید شده است. در این پژوهش با استفاده از تحقیق کیفی و کمی(ترکیبی)، چارچوبی مفهومی برای صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی ارائه‌شده است که این الگو می‌تواند محققان و دست اندکاران برنامه‌های تربیت‌معلم را در تدوین برنامه‌ای جامع یاری نماید؛ بنابراین شناسایی برنامه‌های کارآفرینی از دیدگاه مدیران مدارس بسیار مهم و قابل‌توجه است؛ چراکه برنامه‌های کارآفرینی می‌تواند مانعی قوی جهت رکود علمی باشد و انگیزش لازم جهت فراگیری مدیران فراهم نموده و به تغییرات بسیار مثبت در محیط مدارس منجر شود. در حقیقت کارآفرینی مدیران مدارس همیشه بسیار اثربخش است و در نهایت به خلق محیطی از فرصت‌ها در جهت شکوفایی بهتر علم و دانش کمک می‌کند. بر این اساس، با مرور مؤلفه‌های شناسایی‌شده مشخص می‌شود؛ توجه چندجانبه به کارآفرینی مدیران مدارس در تربیت‌معلم در الگوی پیشنهاد مشهود است، به‌نحوی‌که ابعاد مختلف و مرتبط کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی با نگاهی جامع احصاء شده است. اهمیت نتایج این پژوهش به این دلیل است که در بین نهادهای اجتماعی، آموزش‌وپرورش در جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند و از قدمت زیادی برخوردار است. البته یکی از ارکان آموزشی، نیروی انسانی و به‌خصوص مدیران مدارس

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

می‌باشند که شایستگی و صلاحیت آن‌ها حائز اهمیت است. امروزه به دلیل تغییرات عمیق در ساختار، برنامه‌ی درسی و جمعیت دانش‌آموزی؛ صلاحیت مدیران مدارس نیاز مبرم به بازسازی مجدد دارد. در واقع مدیران اثربخش باید به خلاقیت، ریسک‌پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم‌گیری بیشتر توجه نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد؛

- در طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های کارآفرینی، مبتنی بر هر یک از مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های شناسایی‌شده برای کارآفرینی مدیران مدارس در این پژوهش، برنامه‌های کارآفرینی، طراحی و اجرا گردد و نتایج اجرای این برنامه‌ها، موردسنجش و ارزیابی قرار گیرد.
- با توجه به یافته‌های تحقیق به سیاست‌گذاران دانشگاه فرهنگیان و تربیت‌معلم پیشنهاد می‌گردد که در برای تربیت مدیران مدارس برنامه‌ای ویژه داشته باشند؛ چراکه مدیران به‌صورت تخصصی آموزش نمی‌بینند و از میان معلمان مدارس انتخاب می‌شوند.
- مدیران آموزش‌وپرورش مناطق در انتصاب مدیران مدارس، صلاحیت‌های کارآفرینی را بررسی و در عوامل گزینش مدیران مدارس لحاظ نمایند.
- در خصوص مدیران مناطق مختلف و دوره‌های تحصیلی مختلف در مورد موضوع پژوهش، تحقیقاتی انجام شود و نتایج به‌دست‌آمده با نتایج این تحقیق مورد مقایسه قرار گیرد.
- تحقیقات و مطالعات وسیع‌تر و جامع‌تر در مورد الگوهای صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس صورت گیرد تا جنبه‌های بیشتری از این الگوها موردبررسی و مطالعه قرار گیرد.

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

منابع

- آراستی، زهرا؛ کنعانی، احمد؛ و سید قاسمی، نویسا سادات (۱۳۹۲). انگیزه‌های کارآفرینی زنان و مردان در بخش صنعت شباهت‌ها و تفاوت‌ها. نشریه‌ی زن در توسعه و سیاست، ۱(۱۱)، ۸۳-۱۰۰.
- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی (تعاریف، نظریات و الگوها). تهران: انتشارات پردیس.
- احمدپورداریانی، محمود؛ عزیزی، محمد (۱۳۹۱). کارآفرینی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- احمدپور کریم‌آبادی، فریبا؛ بهمئی، لیلا؛ برکت، غلامحسین (۱۴۰۰). ارائه مدل توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان بندر ماهشهر، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۴(۱): ۹۵-۶۱.
- بهرنگی، محمدرضا، موحدزاده، ایوب (۱۳۹۰). توسعه مدیریت آموزش بر محور رابطه رهبری تحولی آموزشی مدیران و رفتار شهروندی، سازمانی دبیران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۷(۲)، ۶۴-۵۷.
- تقی‌خانی، امیر (۱۳۹۰). موانع توسعه کارآفرینی و نقش دولت در تسهیل توسعه کارآفرینی. ماهنامه کار و جامعه (اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی)، ۳۵(۱۴). ۷۷-۸۰.
- حسنی، زهره (۱۳۹۵). ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی دانشکده‌های فنی دختران)، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران، تهران.
- حسینی‌خواه، علی (۱۳۸۷). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس. فصلنامه مطالعات برنامه درسی (نشریه علمی – پژوهشی انجمن برنامه درسی ایران)، ۱۱(۳)، ۶۹-۷۶.
- روحی، لیلا (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه (مطالعه موردی: ناحیه ۱ شهرستان بهارستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیام نور تهران.
- صفاران، الیاس و خسروانی‌زنگنه، مریم (۱۳۹۴). تأثیر آموزش هنر در رشد خلاقیت، نوآوری و ارتقاء سطح مهارت‌های کارآفرینی کودکان پیش‌دبستانی (نمونه موردی کودکان مقطع پیش‌دبستانی دخترانه و پسرانه مبتکر نوین آموزش‌وپرورش منطقه ۵ تهران). فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین علمی –پژوهشی ویژه‌نامه چهارمین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار، ۱(۵)، ۷۹- ۹۲.
- طغرایی، محمدتقی؛ میرواحدی، سید سعید؛ هاشمی، سمیه (۱۳۹۸)، طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷۱(۱۸): ۸۳-۵۹.
- عباس پور، عباس. (۱۳۹۷). مدیریت منابع انسانی پیشرفته: رویکردها، فرایندها و کارکردها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۸). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: ناشر روان.
- محمودی، امیرحسین؛ عابدی، اکرم؛ حیدری، یونس (۱۳۹۱). بررسی شایستگی‌های حرفه‌ای مدیران آموزشی. فصلنامه علمی – پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۲۵(۱)، ۹۲-۶۹.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]

- مرادی، حوریه؛ بیژنی، مسعود؛ کرمی، غلامحسین؛ و فلاح‌حقیقتی، نگین (۱۳۹۱). ارزیابی مقایسه‌ای ویژگی‌های روان‌شناختی مؤثر بر نگرش‌های کارآفرینانه در دانشجویان مهندسی کشاورزی موردمطالعه: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۴(۵۳)، ۶۵-۸۱.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۹۴). روش تحقیق در علم اطلاعات و دانش شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- مزیدی، وحیدی؛ مقدسی، علیرضا؛ سمیعی، روح‌الله؛ اشرفی، مجید (۱۳۹۹). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس استان گلستان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۴(۴)، ۴۶-۲۳.
- نبیونی، ابراهیم؛ آقاجانی، محمدرضا؛ الهوردی‌زاده، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی تجربی پنج کشور موفق در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزش کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. ماهنامه‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۰۸(۱۴)، ۸۱-۹۱.

- Block, Z., & Stumpf, S. A. (1990). Entrepreneurship education research: experience and challenge. Center for Entrepreneurial Studies, New York University, Leonard N. Stern School of Business.
- Freiberg, H.J. (1999). School climate. London: Falmer press, EC4A 3DE.
- Templer, A. J., & Cawsey, T. F. (1999). Rethinking career development in an era of portfolio careers. Career development international, 4(2), 70-76.
- Valerio, A., Parton, B., & Robb, A. (2014). Entrepreneurship education and training programs around the world: dimensions for success. World Bank Publications.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-09-17]